

## تشکل صنفی سیاسی کارگران و خواست استقلال؟!!

حمید قربانی- ۱۱ اکتبر

کارگران بندر ماهشهر خواهان تشکل و سازمانیابی، صنفی سیاسی خود شده اند. کارگران اعلام نموده اند که تشکیلات لازم دارند که به وسیله آن بتوانند بر علیه کارفرمایان و دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی مبارزه نمایند، از زندگی خود دفاع کنند، در برابر یورش سازمان یافته ی سرمایه به سفره خویش مقاومت کرده و دولت و صاحبان ابزار تولید را به عقب برانند. در این میان کسانی مثل آقای ثقی تلاش می کنند که خواست کارگران را تشکل مستقل از دولت، کارفرما و احزاب بدانند. (تأکید از من است) و آنها را بدین سو سوق دهند. و اما، راه رهائی کارگران از نظام موجود در ایجاد تشکل مستقل از احزاب نیست بلکه در این است که تشکلات صنفی سیاسی خود بویژه حزب سوسیالیستی کارگران را به وجود آورده و یک رابطه شفاف رفیقانه و کارگری بین انواع تشکلات خویش بنیاد نهند که در حین ارتباط با یکدیگر حقوق و استقلال تشکیلاتی انواع تشکلات را برسمیت بشناسند.

اما، در ابتدا بهتر است بپرسیم، چرا هر زمان که حرکت طبقه کارگر برای ایجاد تشکل و سازمانیابی طبقاتی اوچ دو باره ای می گیرد، فوران سر و کله خواستاران تشکل مستقل از احزاب پیدا می شود؟ ترس و وحشت این افراد گوناگون از چیست؟ به نظر می رسد که با تمام تفاوت خواستگاه طبقاتی اگر چه شاید در لحن گفتار هم متفاوت باشند، همگی آنها یک خواست دارند. این خواسته قطع ارتباط تشکلات کارگری با احزاب سیاسی و در اساس احزاب سوسیالیستی و خواهان سرنگونی نظام سرمایه داری می باشد.

و اگر نه، کارگران بندر ماهشهر از سازمانیابی صحبت می کنند. کمیته اعتصاب و صندوق اعتصاب بوجود می آورند. کارگران اعتصابی به حق به خود و دیگر همطبقه ای هایشان هشدار می دهند که بدون ایجاد تشکل و سازمانیابی راه به جایی نخواهند برد، حتا اگر این اعتصاب پیروزی شده و به خواسته هائی نیز برسند. آنها می دانند که هیچکدام از این پیروزی های بدون تشکل توده ای طبقاتی پایدار نیستند. فوران سر و کله افرادی پیدا می شود که به کارگران هشدار دهند که مواظب باشند که حرکت و تشکل شان مستقل از احزاب سیاسی هم باشد، این دوستان محترم که اکثرشان نیز روشنفکر و تحصیل کرده ی خارج از طبقه کارگر واقعی حضور دارند، ترس شان به باور من بیشتر از هر چیز از سیاسی شدن خود کارگران و حرکت طبقه کارگر است. این ها از این می ترسند که کارگران به سیاست "آلوده" گردند، چون آن موقع دیگر دکان و دم و دستگاه روشنفکران این چینی و حتا کارگران دچار بیماری روشنفکری شده یا واقع بی باور به نیروی طبقاتی طبقه خویش بسته می شود. این ها هراس شان از خارج شدن سکان حرکت سیاسی کارگران از دستان ناتوان خویش است. این ها از جاری شدن سیلی می هراسند که اگر جاری گردد، همه چیز را بهم می ریزد. بیم شان از کارگرانی

است که باور به نیروی طبقاتی شان دارند، نیروی کارگری متشکل در نهادها، ارگانها، شوراهایشان و در حزب سوسیالیستی کارگری و از چفت شدن توده طبقه با رهبران واقعی عملی و سوسیالیست شان که در اشکال صنفی سیاسی متشکل شده باشند، می هراسند. این ترس واقعی است و از خواست مادی و واقعی اینها سرچشمه می گیرد و گرنه چرا باید از رابطه ای رفیقانه و کارگری بین تشکلات صنفی سیاسی کارگران با یکدیگر وحشت داشته باشند؟ اگر احزابی موجودند که از این تخطی می کنند می باید فعالین دورن طبقه کارگر و دیگر فعالین متعقد به نیروی کارگران، توده طبقه کارگر را به ماهیت غیر کارگری و طبقاتی چنین احزابی، حال هر نامی داشته باشند، آگاه کنند و نه اینکه کارگران را از یکدیگر به ترسانند.

این نیز واضح و آشکار است که خواست و ایجاد تشکل مستقل از احزاب نه امروزی است و نه فقط مختص جامعه ایران. این یک مسئله تاریخی و ناشی از وجود سیستم سرمایه داری است. اینکه کارگران کار خود را داشته باشند و ما "نخبه گان" را به گذارند به کار خود ادامه بدهیم، تا پایان جامعه طبقاتی وجود خواهد داشت. این یک گرایش طبقاتی و خرده بورژواامابانه و با تکبر روشنفکری است. گرایش سوسیالیسم کارگری که خواهان پیش بردن منافع کل طبقه کارگر و نه فقط در سطح ملی بلکه جهانی است، می باید این واقعیت را برسمیت بشناسد. مبارزه با انواع گرایش های غیرکارگری، رفورمیستی، سندیکالیستی و از آنجمله اینکه تشکل را مستقل از احزاب می خواهد، جزئی از مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بر علیه طبقه سرمایه دار و دولت اش و بویژه سوسیالیست های کارگری است. این برای ما بهتر است که روشن باشد، یکبار برای همیشه نمی توان با گرایشات غیرکارگری تصویب حساب کرد و بعد نیز دنبال کارهای دیگر رفت. این نیز یک واقعیت است که این نه از بد خلقی و بد طینتی این و آن شخصیت ناشی می شود بلکه از طبقات و جامعه طبقاتی ریشه گرفته است و با از بین رفتن جامعه طبقاتی این گرایشات نیز همراه طبقات و دولت زوال می یابند. باورمندان به تشکل مستقل از احزاب اما، در بهترین حالت با طبقه کارگر دوستی خاله خرسه دارند.

و اگر نه، پرسیدنی است که معنی تشکلات صنفی سیاسی چیست؟ آیا این ها همه تشکلات طبقه کارگر با درجات مختلف و با وظائف گوناگون نیستند؟ چرا تلاش می شود که کارگران را از احزاب مستقل کنند؟ آیا اصلن کارگران با این همه وسیله تبلیغاتی و آموزشی دولتی و خصوصی سرمایه می توانند خود و تشکلات طبقاتی توده ایشان را از حرکات و احزاب طبقات دیگر و بویژه طبقه خویش مستقل کنند؟ کارگران و نهادهای کارگری با همه چیز این جامعه کار دارند و به معنی دقیق کلمه از هیچی در جامعه طبقاتی مستقل نیستند. اگر گفته می شود که تشکلات کارگری باید متکی به نیروی کارگران و در مقابل خواست کارفرمایان و دولت باشند و بدین مفهوم و محتوا مستقل از آنها باشند، این بدین معنی است که کارگران رابطه خود با طبقات دیگر، ابزار و وسائل تثبیت قدرت آنها مشخص کنند. زیرا که ما طبقه کارگر هم در تجربیات تاریخی خویش که بوسیله کارگران فعال و دیگر آموزگاران ما تئوریزه شده و امروز بصورت مدون وجود دارند که به آن علم رهائی طبقاتی ما کارگران یا گنجینه مارکسیسم لنینیسم گفته می شود و هم در تجربه روزانه درک نموده و با تمام گوشت و پوست خویش لمس می کنیم که کارفرما و عوامل اش ما را فقط وسیله افزایش سود و سرمایه اش می دانند، پس نمی توانند با طبقه ما منافع مشترکی داشته و بدین دلیل تشکل ما نمی تواند مستقل از کارفرما و عوامل اش مانند مدیران و رؤسا و سرکوبگران حراست نباشد. دولت هم عملن و تئوریکن وسیله سرکوب طبقاتی است، ابزار طبقه حاکمه یعنی بورژوازی برای سرکوبی طبقات دیگر و بویژه

ما، طبقه کارگر است. این را بیش از هر چیز ما در تجربه روزمره خویش، در کارخانه و خیابان و محل کار و زندگی خویش می بینیم. ما می دانیم که دولت جمهوری اسلامی حامی سرمایه داران فقط چند هزار از ما کارگران را بعنوان زندانی سیاسی اعدام کرده و یا زیر شکنجه به قتل رسانده است. در بدترین شرایط روحی و روانی قرار داده و یا مجبور ساخته کشور را ترک کنند. آری از همه واضح تر و روشن تر اینکه ما می دانیم و می بینیم که هر گاه برای رسیدن به یک خواست و درجه ای از حقوق پایمال شده مان اعتصاب می کنیم فوران سر و کله مأموران دولت به صورت نیرو های ویژه و انتظامی و غیره چون جانوران وحشی برای سرکوبی ما و نه دستگیری مدیران و خود کارفرمای حریص و طماع که حق و حقوق ما را خورده و می خورند و دقیقن اعتصاب بدین خاطر است، پیدا می شود. بدین دلیل رابطه ما با این نیرو مشخص است. از زاویه دیگری به دولت نگاه کنیم. ما دیده و می بینیم که چگونه دولت کوشش میکند که از طریق تشکلات خود ساخته مانند شوراهای اسلامی کار و احزاب سیاسی ضد کارگری خویش مانند خانه کارگر، ما و فعالین طبقه ما را شناسائی و بدست نیرو های نظامی و زندان می سپارد تا ما را زندانی، شکنجه و در مواقع زیادی اخراج و حتا اعدام کنند. البته این هم گفتنی است که محل خانه کارگر را که ما در ایام انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با زحمت و دادن قربانی گرفته بودیم تا از آن بعنوان محلی برای گردهمایی و بحث و بررسی مشکلاتمان و راه یابی برای حل آنها استفاده نمائیم. مزدوران دولت جمهوری اسلامی که امروز هنوز از سران این لانه های جاسوسی هستند، با ضرب تفنگ، چاقو، پنجه بوکس و غیره از ما کارگران گرفتند. این است که ما می گوئیم با چنین دولتی که در جامعه ای مانند ایران هم حکم کارفرما بزرگی را دارد و هم از همه چیز مهمتر هر روز بعنوان نیروی سرکوبگر طبقه سرمایه دار برای سرکوبی ما حاضر و آماده است، رابطه اش با ما کارگران مانند رابطه یک دشمن است. برای این است که تشکلات ما نمی توانند مستقل از چنین دولت طبقاتی نباشند. و اما، فردا، زمانی که دولت شورائی ما کارگران روی کار می آید، کاملن رابطه تشکلات کارگری با دولت طبقاتی خودمان فرق می کند. در هر صورت در موقع خودش، کارگران رابطه خویش و تشکلاتشان را با چنین دولتی مشخص می کنند. و اما، آیا رابطه احزاب مختلف که در جامعه وجود دارند و هر کدام از منافع یک طبقه، قشر مشخص دفاع می کنند، با طبقه کارگر چنین است؟ خود این دوسستانی که رابطه تشکلات کارگری را با دولت، کارفرما و احزاب یکی می دانند، نیز می دانند که چنین نبوده و نیست. طبقه کارگر آگاه به منافع طبقاتی خویش رابطه خود و تشکلات اش را با این احزاب بر اساس دوری و نزدیکی این احزاب با خود یعنی دفاع از منافع طبقاتی خود و چگونگی قرار گرفتن آنها در برابر خواست های آتی و آتی خویش می سنجد و معین می کند. کیلویی با تمام احزاب به یک سان رفتار نمی کند و یا نباید بکند.

ولی، از زاویه دیگری نیز می شود به مسئله نگاه کرد. و آن اینکه، آیا کارگران فقط می باید مبارزات صنفی و نه صنفی سیاسی نمایند و روشنفکران متشکل در احزاب مبارزات سیاسی؟ آیا فعالین کارگری و حتا روشنفکری که خواهان تشکل مستقل از احزاب سیاسی نیستند، خواهان تعیین تکلیف برای تشکلات توده ای کارگری از جانب احزاب سیاسی، بویژه سوسیالیست و کمونیست هستند؟ یعنی می گویند باید احزاب تعیین کنند که مثلن برنامه تشکلات کارگری چه باشد؟ مسئولین آنها راتعیین میکنند و غیره. همه می دانیم که تا جایی که بویژه به احزاب سوسیالیست کمونیست بر می گردد اصلن چنین نیست، بلکه رابطه شان یک رابطه سیاسی و رفیقانه و شفاف است و گر نه احزاب سوسیالیست کارگری نیستند. آنها برنامه های خود و راه رسیدن به آنها را در معرض انتخاب توده کارگران و

فعالین کارگری قرار می دهند. و، آیا بالعکس کسانی که خواهان تشکل مستقل از احزاب هستند، خواستار تعیین این امر به وسیله کارگران هستند؟ آیا خواست استقلال تشکلات کارگری از احزاب در اصل به معنی نادیده گرفتن لیاقت ما کارگران در درک و پیشبرد مبارزه سیاسی و معنی و مفهوم تشکل یابی نیست؟ ما کارگران تاریخ ان بارها نشان داده و خواهیم داد که لیاقت هر کاری را داریم. ما تولید کننده و توزیع کننده تمامی کالاها و نعم مادی و معنوی جامعه معاصر هستیم. ما کارگران به یک معنی هرکول واقعی زمان خود هستیم. و اما، کسانی که شعار استقلال تشکل کارگری از احزاب را هم می دهند، به نظر من چه بدانند و چه ندانند:

۱- کارگران را هنوز پخمه و نادان می دانند که احزاب سیاسی کارگران را می خورند.

۲- اینکه خواهان جدائی کارگران و احزاب طرفدار کارگران یعنی چپ و سوسیالیست هستند یعنی کارگران را می خواهند از فعالان سوسیالیست شان جدا نمایند. آنها در اصل و اساس مایل نیستند که کارگران حزب سیاسی خویش یعنی حزب سوسیالیستی کارگران برای مبارزه با کلیت سیستم سرمایه داری را بدست خویش و با تکیه بر نیروی طبقاتی خود سازمان دهند و در بهترین حالت به ناتوانی کارگران برای این امر باور دارند و مایلند که کارگران نیز باور نمایند که آنها فقط قادر به مبارزات صنفی و روزمره و در بهترین حالت برای لغو قرارداد های موقت و شرکت های پیمانکار هستند ولی طبقه کارگر برعکس این نگاه، نشان داده است که با کمک و همراهی و هدایت حزبی که بدست خود کارگران ساخته شده باشد، قادر به لغو کل قرار دادهای موجود بین کارگران و طبقات دارا یعنی لغو شرایط موجود اجتماعی یعنی جامعه سرمایه داری و بنیادگذاری یک جامعه سوسیالیستی و به دور از استثمار هست.

۳- اگر فردا طبقه کارگر با کمک فعالین خویش موفق شد که حزب سیاسی خویش را به وجود بیاورد، باز هم باید کارگران و ارتباط تشکل شان با این حزب را منع کنیم؟ یا اینکه استثناء قائل می شویم.

البته همان طوری که در بالا نوشته شد، تبلیغ و تشویق کارگران به تشکیل تشکل مستقل از احزاب نه مختص ایران است و نه به این زمان مشخص تعلق دارد، بلکه هم جهانی است و هم قدیمی. بر اساس این تفکر در سطح جهانی تشکل های زیادی به وجود آمده اند و شاید بیایند. یکی از مهمترین این نوع از تشکلات باصطلاح مستقل از احزاب کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری بود که در ارتباط با سازمان جهانی کار محل سه جانبه گرائی جهانی سرمایه که زیر مجموع سازمان ملل متحد است، بود. این تشکل در سال های اخیر به دلایلی و از همه مهمتر فروپاشی بلوک شرق یعنی سرمایه داری دولتی و رقیب سرمایه آزاد خود را منحل نمود و با تشکلات اتحادیه ای دیگر کارگری و از آنجمله تشکلات اتحادیه ای کاتولیکی کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری را به وجود آوردند.

همه می دانیم که خواست استقلال مالی، سیاسی و تشکیلاتی تشکلات کارگری از دولت و کارفرما یک مسئله و خواست طبقاتی است و برای مصونیت تشکل از فساد و از دورن خورده و خالی شدن و تبدیل به چماقی برای سرکوبی کارگران نشدن لازم و ضروری است. و اما، استقلال کارگران از دولت و کارفرما یک چیز است و استقلال تشکلات توده ای کارگران از احزاب چیز دیگری است، این آخری جدائی کارگران از کمونیست ها و سوسیالیست و کلن می تواند از سیاست را در بر داشته باشد که سم کشنده است. زیرا که می تواند سیستم استثمارگر و انسانکش سرمایه داری را جاودانه نماید. راه رهائی کارگران از نظام استثمارگر موجود در ایجاد تشکل مستقل از احزاب نیست بلکه در

این است که کارگران همچنانکه کارگران مجتمع های پتروشیمی بندرماهشهر استارت زده اند، تشکلات صنفی سیاسی بویژه حزب سوسیالیستی کارگران را به وجود آورده و یک رابطه شفاف رفیقانه و کارگری بین انواع تشکلات خویش بنیاد نهند که در حین ارتباط با یکدیگر حقوق و استقلال تشکیلاتی انواع تشکلات خود را برسمیت بشناسند.

در زیر توجه شما را به نوشته آقای ثقفی و دو اعلامیه از کارگران مجتمع های پتروشیمی چون حق ان یک دبیر کانون نویسندگان کم مقامی نیست و حتمن باید چند تائی مشاور داشته باشدیندر ماهشهر جلب می کنم.

حمید قربانی

۱۲ اکتبر ۲۰۱۱

### بار دیگر قرار داد های موقت

علیرضا ثقفی

کارگران ماهشهر بار دیگر پس از پایان مهلت کارفرما برای لغو قراردادهای موقت و به رسمیت شناختن تشکل کارگران، دست به اعتصاب زده اند. این اعتصاب ها که در صنایع حساس نفت و گاز به وقوع می پیوندد، در اولین گام ها برای شکستن سد مقابل ایجاد تشکل های مستقل کارگری در این صنایع است؛ صناعی که نزدیک به یک دهه است در آنها هرگونه تشکل کارگری ممنوع بوده است. اما این بار کارگران نه تنها خواهان حق و حقوق خود هستند، بلکه خواهان ایجاد تشکل مستقل نیز هستند. ایجاد تشکل های مستقل در این صنایع، خواست همه ی کارگران است. در پتروشیمی تیریز هم همین مساله برای کارگران مطرح است و به خصوص در میان کارگران پروژه ای، که اغلب در ایجاد تاسیسات نفت و گاز فعال اند، این موضوع از میرم ترین خواسته های کارگران است، چرا که آنان از داشتن نماینده و دفاع از حقوق اولیه خود محروم هستند. اکنون کارگران ماهشهر با تشکیل کمیته ی اعتصاب، اولین گام را در جهت ایجاد تشکل خود برداشته اند که بسیار ارزشمند است. آنها در مبارزات شش ماه گذشته ی خود به این نتیجه رسیده اند که بدون تشکل، به خواسته های برحق خود نخواهند رسید و حتا اگر دست آوردی هم داشته باشند، پایدار نیست و ضرورت ادامه ی حرکت مطالباتی آنان، جز از طریق نمایندگان مستقیم و تشکل مستقل، امکان پذیر نیست. ایجاد تشکل مستقل از کارفرما، دولت و احزاب در این برهه از زمان، ضرورت پیروزی آنان در به دست آوردن خواسته ها و مبارزات شان است. هم چنین پیوند با سایر بخش های کارگری، امر اجتناب ناپذیر است تا بتوان از طرفی قراردادهای موقت را لغو کرد که خواسته همه ی کارگران است و از طرفی، تشکل های مستقل را به وجود آورد که در این شرایط، برای به دست آوردن ابتدایی ترین مطالبات کارگری ضرورت اولیه دارد.

## اطلاعیه اعلام موجودیت صندوق اعتصاب

کارگران فعالین و جنبش عزیز کارگری ایران درود بر شما  
حمایت رسانه ای همه جانبه شما عزیزان موجب قوت قلب کارگران پتروشیمی  
ماهشهر شده است لذا کمیته اعتصاب کارگران ماهشهر از طرف همه دست تک  
تک شما عزیزان را صمیمانه میفشارد و روی شما را میبوسیم. همچنین با کمال  
ادب و احترام شماره حساب حمایت از کارگران اعتصابی پتروشیمی ماهشهر و  
بندر امام را تقدیم میکنیم لطفاً آنرا برای همه دوستانتان فرورارد کنید. شماره  
حساب ۰۲۰۹۰۲۹۸۳۵۰۰۵ بانک ملی انیمشک شعبه ی بهشتی بنام سهراب.

با تشکر  
کمیته اعتصاب کارگران مجتمع پتروشیمی ماهشهر  
یکشنبه ۱۰ مهرماه ۱۳۹۹

## بیانیه اعلام موجودیت کمیته اعتصاب

سلام ما بر کارگران و جنبش مطالباتی آنها

این بیانیه آغاز به کار کمیته اعتصاب کارگران مجتمع پتروشیمی ماهشهر است .  
کارگرانی که برای احقاق حقتشان و برای لغو قرارداد موقت و ایجاد قرارداد  
مستقیم و اجرای مصوبات دولت در این زمینه دست به اعتصاب بزرگ زده اند. ما  
به این نتیجه رسیده ایم که بدون ایجاد هماهنگی و تشکل یابی راه به جایی  
نخواهیم برد حتی اگر اعتصاب موفق شود و دستاوردی هم داشته باشد بدون  
ایجاد تشکل و سازمان یابی آن دستاورد هم پایدار نیست و نمیتوان آن را حفظ  
کرد .لذا در قدم اولین کمیته اعتصاب را برپا نموده ایم و از همه چه در داخل و چه  
نهادهای کارگری در خارج انتظار کمک و یاری داریم.لازم به ذکر است که این  
کمیته در اولین اقدام خود و همزمان صندوق کمک به اعتصاب کارگران ماهشهر  
را راه اندازی کرده است. دست همه را برای همکاری میفشاریم و انتظار داریم  
که همه به جای اعلام حمایت فقط روی کاغذ بطور عملی مارا برای تشکیل  
سندیکای کارگران ماهشهر یاری کنند زیرا هدف نهایی ما تشکیل سندیکای  
مستقل کارگران ماهشهر است.

به امید موفقیت  
کمیته اعتصاب کارگران مجتمع پتروشیمی ماهشهر

یکشنبه ۱۰ مهرماه ۱۳۹۹

